

# ناکامی ساختارهای حاکمیت شرکتی لزوم تجدیدنظر در ساختار حسابداری و حسابرسی

دکتریحیی حساس یگانه

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

محمد مرفوع

دانشجوی دکتری حسابداری

## چکیده

ناکامی ساختارهای حاکمیت شرکتی بزرگ آمریکایی در سال ۲۰۰۲، بیانگر لزوم تجدیدنظر اساسی در ساختار نهادهای حسابداری، حسابرسی و حاکمیت شرکتی است.

جایگزینی سیستم استانداردهای آمرانه<sup>۱</sup> حسابداری با رویکرد رقابتی و مبتنی بر عرف می‌تواند به انتقال تمرکز گزارشگری مالی از شکل به محتوا کمک کند. طبق آرای صادره توسط دیوان عالی آمریکا، به‌رغم فشارهای دولت برای افزایش رقابت در حسابرسی، آغاز شده از نیمه دوم دهه هفتاد، کیفیت این حرفه کاهش یافته است. این فشارها، موسسات حسابرسی را مجبور کرده تا برای بقا و ادامه حیات خود، خدمات قابل ارائه به مشتریان خود را گسترش دهند. بهبود مجدد کیفیت حسابرسی، مستلزم تجدید ساختار اساسی در حسابرسی (مثلاً همراه ساختن آن با خدمات بیمه‌ای) است. حمایت هیات مدیره از منافع اقلیت

و کنترل قراردادهای پاداش مدیران اجرایی، مسائل دیگری هستند که حل آنها علاوه بر تغییرات آیین‌نامه‌ای نیازمند تغییرات ساختاری است.

## مقدمه

حسابداری و حسابرسی، مولفه‌های مهم سیستم حاکمیت (راهبری) شرکتی<sup>۲</sup> هستند که پس از تاسیس شرکت‌های هند شرقی، در طی بیش از ۴ قرن تکامل یافته‌اند. شرکت‌های مذکور به صورت شرکت‌های سهامی با مسئولیت نامحدود<sup>۳</sup> تشکیل شدند تا با جمع‌آوری سرمایه‌های هنگفت سرمایه‌گذاران مختلف، منابع مالی لازم را جهت انجام مبادلات با کشورهای غنی شرقی در اختیار داشته باشند که در سال‌های قبل توسط اروپاییان کشف شده بودند.

اما این شرکت‌ها به سرعت با مساله‌ای روبه‌رو شدند که امروزه به آن مساله نمایندگی<sup>۴</sup> گفته می‌شود. هنگامی که

مناسب باشند. ما به این موارد، مقررات حسابداری می‌گوییم.

مرجع قانونی تدوین مقررات حسابداری در کشور ایالات متحده، کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC) می‌باشد که نهادی نظارتی و مستقل است. این کمیسیون، وظیفه تدوین مقررات حسابداری را به هیات استانداردهای حسابداری مالی<sup>۵</sup> تفویض کرده که از طریق بخش خصوصی تامین مالی می‌شود اما اختیار رد مقررات مصوب این هیات را برای خود محفوظ نگه داشته است. شرکت‌های سهامی عام به واسطه قدرت اجرایی کمیسیون بورس و اوراق بهادار، ملزم به رعایت این مقررات هستند.

کمیسیون بورس و اوراق بهادار، شرکت‌های سهامی عام را ملزم کرده است تا از حسابداران رسمی بخواهند در خصوص منصفانه بودن ارائه وضعیت مالی و نتایج عملیات شرکت در طی دوره گزارشگری گزارش‌دهی کنند. در صورت سهل‌انگاری حسابداران رسمی در ارائه این گزارش بدون داشتن دلیل منطقی، در مقابل سهامداران و اشخاص ثالث مسئول خواهند بود. انجمن حسابداران رسمی آمریکا (AICPA)، رهنمودهای دقیقی در خصوص نحوه انجام کار حسابرسی برای اعضای انجمن تدوین کرده است. در جولای ۲۰۰۲، مجلس نمایندگان ایالات متحده، قانونی را تصویب کرد که به موجب آن، یک هیئت نظارتی دولتی، جایگزین هیات ناظر خصوصی می‌شد تا بر عملکرد موسسات حسابرسی نظارت داشته باشد و از تلاش‌های مستمر آنان برای بررسی دقیق صورت‌های مالی قبل از گواهی کردن منصفانه بودن آنها اطمینان یابد. از سوی دیگر، بورس سهام نیویورک، از شرکت‌های پذیرفته شده در این بورس خواسته تا اکثریت اعضای هیات مدیره خود را از افراد مستقلی انتخاب کند که در استخدام شرکت نباشند. همچنین وجود کمیته حسابرسی متشکل از اعضای غیرموظف هیات مدیره را الزامی و مسئولیت ارتباط مستقیم با حساب‌رسان مستقل را به این کمیته واگذار کرده است.

مولفه پنجم سیستم حاکمیت شرکتی آمریکا، قراردادهای پاداش مدیران اجرایی است. بخش مهمی از قراردادهای پاداش مدیران اجرایی به عملکرد شرکت بستگی دارد. عملکرد شرکت معمولاً به وسیله ارقام ۶۳

یک شخص (کارگزار)، بخشی از ثروت خود را به منظور سرمایه‌گذاری در اختیار شخص دیگری (نماینده) قرار دهد، اطلاعات و مهارت‌های نماینده، موجب می‌شود کارگزار (موکل) با ریسک تخلف و تخطی نماینده از قراردادهای فی‌مابین مواجه باشد. در طی این ۴ قرن، تلاش‌های بسیاری جهت یافتن راه حلی مناسب برای همسو کردن منافع و انگیزه‌های کارگزار و نماینده صورت گرفته است. کانون تلاش‌های انجام شده جهت حل مسأله حاکمیت شرکتی، حسابداری و حسابرسی است. وقایع مربوط به فروپاشی شرکت‌های بزرگ آمریکا در سال ۲۰۰۲ نشان می‌دهد که راه حل‌های موجود، چندان مناسب و رضایت‌بخش نیستند و باید گزینه‌های دیگری نیز مطرح شوند تا ما را در ایجاد سیستم حاکمیت شرکتی رضایت‌بخش‌تر و به‌ویژه در رابطه با مولفه‌های حسابداری و حسابرسی آن یاری کنند.

#### حاکمیت شرکتی در ایالات متحده

این مقاله با خلاصه‌ای از چهار مولفه‌های اصلی سیستم حاکمیت شرکتی آمریکا به شرح زیر آغاز می‌شود:

- ۱) مقررات حسابداری،
- ۲) تشکیلات تدوین مقررات حسابداری،
- ۳) الزامات حسابرسی و سازوکاری برای کنترل کیفیت کار حسابرسی، و
- ۴) نقش هیات مدیره در حسابرسی و گزارشگری مالی شرکت.

همچنین مولفه پنجم - قرارداد پاداش مدیران اجرایی نیز مطرح می‌گردد که در تجزیه و تحلیل مسأله حاکمیت شرکتی تاثیرگذار است.

قانون، مدیریت شرکت‌های سهامی عام و سازمان‌های غیرانتفاعی را ملزم کرده است که صورت‌های مالی شرکت را حداقل به صورت سالانه منتشر و صحت آنها را تایید کنند. هرچند بخش، قابل توجهی از شکل و محتوای این گزارش‌ها در ایالات متحده اختیاری است، اما شرکت‌ها ملزم هستند گزارش‌های منتشر شده را به کمک سیستم حسابداری و کنترل‌های داخلی مناسب تهیه تا بتوانند به خوبی از منابع سازمان حفاظت کنند. این گزارش‌ها همچنین باید حائز حداقل استانداردهای افشا، اندازه‌گیری جزییات و تعاریف

حسابداری (مانند سود، فروش و نرخ بازده) یا قیمت سهام اندازه گیری می شود. تحقیقات حسابداری نشان می دهند که طرح های پاداش در مدیران اجرایی ایجاد انگیزه می کنند تا سود گزارش شده را به گونه ای مدیریت کنند که پاداش خود را حداکثر سازند.

**اعطای اختیار خرید سهام،** یک روش بسیار متداول برای پاداش دادن به مدیران است و به دلیل عدم شناسایی ارزش اقتصادی این اختیارات در صورت سود و زیان به عنوان هزینه، در بین شرکت ها رواج یافته است. میزان این پاداش ها ممکن است قابل توجه بوده و در برخی موارد، برای شخص به صدها میلیون دلار در سال برسد. تصمیمات مربوط به پاداش مدیران اجرایی توسط کمیته پاداش هیات مدیره اتخاذ می شود که معمولاً شامل افرادی است که مستقل از مدیریت شرکت هستند.

**فدراسیون اروپایی حسابداران**<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) به تشریح نقش حسابداری و حسابرسی در اروپا پرداخته است. فدراسیون اروپایی حسابداران به عنوان نماینده حرفه حسابداری در اروپا، دریافت که سقوط غیرمنتظره یک شرکت مهم پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار (مانند شرکت انرون) می تواند به اعتبار و قابلیت اعتماد اطلاعات و سیستم نظارتی خدشه وارد کند که برای حمایت از سرمایه گذاران ایجاد گردیده است. همچنین این فدراسیون پی برد که اعتماد عموم به این حرفه اهمیت زیادی دارد و باید پیوسته در حفظ و تقویت این اعتماد کوشید. لذا باید حاکمیت شرکتی تقویت شود تا کیفیت اطلاعات مالی ارائه شده به بازار سرمایه بهبود یابد. به منظور نگهداری و افزایش اثربخشی سیستم گزارشگری مالی، فدراسیون اروپایی حسابداران گام های مهمی در اتحادیه اروپا برداشت که برخی از آنها عبارت از اصلاحات مربوط به روش های بهبود حاکمیت شرکتی، ترویج و بهبود راه حل های جهانی برای تحقق نیازهای اتحادیه اروپا، استفاده از رویکرد مبتنی بر اصول برای حمایت از استقلال حسابرسان و تسریع کاربرد سیستم های بهبود کیفیت برای افزایش اعتماد عمومی بود.

به عقیده شاول<sup>۷</sup> (۱۹۹۵)، سقوط های غیرمنتظره اخیر شرکت ها، به دلیل ضعف حسابرسی نیست بلکه به دلیل

ضعف های مدیریت اجرایی و مشکلات ناشی از انتشار اوراق قرضه توسط شرکت ها است. ناتوانی و ضعف می تواند شکل های مختلفی مانند ضعف قضاوت موثر مدیریت اجرایی شرکت، ناتوانی در مقابله با پیامدهای یک اشتباه، ضعف در حفاظت و نگهداری از دارایی های شرکت و ضعف در کنار گذاشتن افرادی باشد که مسئول خسارت های وارده به شرکت هستند. اما ضعف حسابرسی، اقدامات اصلاحی را به تاخیر می اندازد و به شخص مقصر اجازه می دهد تا از مجازات فرار کند. وی تشریح کرد که دلایل این بحران حسابرسی، پیچیده تر شدن ساختار شرکت و معاملات مالی آن، افزایش فرایندهای فنی حسابرسی و رقابت شدیدتر بین موسسات حسابرسی است. این عوامل باعث تغییر ساختار موسسات حسابرسی شده است. هنگامی که تجدید ساختار در موسسات حسابرسی صورت می گیرد، حسابرسان مسئولیت خود را در مورد تعیین و حمایت از استانداردهای مناسب گزارشگری مالی، کنار می گذارند و سرمایه گذاران، تنظیم کنندگان بازار، عموم و سیاستمداران نگرانی خود را در مورد بی ثباتی ایجاد شده در گزارشگری مالی ابراز می کنند. سرانجام، این موضوع به دلیل رشد قابل ملاحظه تعداد استانداردهای منتشر شده منجر به بی ثباتی در گزارشگری مالی می شود. در این صورت حسابرسان از تفصیلی تر شدن استانداردها شکایت می کنند که باعث عدم استفاده آنها از قضاوت حرفه ای می شود. شاول نتیجه می گیرد که راه حل نارضایتی ها و شکایت های استفاده بیش از حد از سیستم خود نظم و جزئیات زیاد در استانداردهای در دست حسابرسان است.

در مقاله حاضر، از ساختار فعلی حسابداری و حسابرسی در کشور آمریکا، به عنوان نقطه آغاز بررسی امکان وجود دیگر ساختارهای جایگزین استفاده و پیامدهای این ساختارها بررسی می شود.

### مقررات حسابداری

تا سه دهه قبل، الگوی غالب<sup>۸</sup> حاکم بر حسابداری اصول پذیرفته شده حسابداری<sup>۹</sup> (GAAP) بود و به حسابداری، به مثابه زبان طبیعی در نظر گرفته می شد که به تدریج و با گذشت زمان و از طریق استفاده از آن تکامل

عمل، در صورتی که حسابداران رسمی عقیده داشتند که عدم به‌کارگیری یک اظهارنظر، برای ارائه منصفانه گزارش‌های مالی صاحب‌کار مناسب‌تر است، شرکت از اظهارنظرهای منتشر شده توسط هیات پیروی نمی‌کرد. ناتوانی هیات اصول حسابداری در خصوص کسب پذیرش عمومی برای اظهارنظرهای آن در خصوص حسابداری فعالیت مالیاتی سرمایه‌گذاری<sup>۱۴</sup>، کمیسیون بورس و اوراق بهادار و حسابداران را متقاعد کرد که برای حمایت از مقررات حسابداری، اختیار و قدرت بیشتری لازم است؛ لذا هیات استانداردهای حسابداری مالی (FASB) تاسیس شد تا استانداردهای حسابداری مالی را منتشر کند. شرکت‌ها و حسابداران رسمی ملزم به رعایت استانداردهای مصوب هیات شدند و جرایمی برای عدم رعایت این استانداردها در نظر گرفته شد. هیات استانداردهای حسابداری مالی با توجه به تشکیلات و بودجه دائمی و قابل ملاحظه خود توانست مقرراتی را تدوین کند که شرکت‌ها و حسابداران رسمی موظف شدند برای تهیه گزارش‌های مالی منصفانه از آنها پیروی کنند. قدرت تفویض شده به تشکیلات جدید موجب شد که دیگر اعتقادی به این دیدگاه وجود نداشته باشد که "مقررات حسابداری باید به‌طور عمومی پذیرفته شده باشند"، هفت عضو هیات استانداردهای حسابداری مالی، پس از انجام تحقیق و مشورت، آنچه را لازم‌الاجرا می‌کردند که بهترین مقررات حسابداری تشخیص می‌دادند. هیات استانداردهای حسابداری مالی در بیانیه‌های مفهومی<sup>۱۵</sup> خود، معیارهای بسیاری را برای انتخاب مقررات حسابداری مناسب ذکر کرده است. حتی برخی از این معیارها، با معیارهای دیگر در تضاد هستند. اما در بیانیه‌های مفهومی صادر شده توسط هیات، به روشی برای حل این تضادها توجه نشده بود. حتی به "حداقل کردن هزینه سرمایه" نیز در بین معیارهای مذکور توجهی نشده بود که می‌تواند معیار جامعی برای انتخاب رویه‌های حسابداری باشد. هیات قبل از انتشار هر یک از بیانیه‌های خود، فرایند مشورتی پیچیده‌ای را برای جمع‌آوری پیشنهادات، تفاسیر و توصیه‌های افراد مختلف طی می‌کرد.

متأسفانه، قدرتی که به بیانیه‌های هیات بخشیده شده

می‌یابد و معانی کلمات و اصطلاحات، با توجه به پذیرش عمومی آنها تعیین می‌شد. تعدد کلمات و همچنین تعدد معانی مربوط به هر کلمه برای انتقال مفهوم خاص، از یک سو، باعث انعطاف‌پذیری عبارات یک زبان و از سوی دیگر موجب بی‌ثباتی می‌شود. زبان‌های طبیعی، ساختار و واژه‌نامه خاص خود را دارند و توسط مراجعی نوشته می‌شوند که قدرت تنبیه و جریمه کردن افراد را ندارند، بلکه قدرت خود را به واسطه شناخت زیادی به دست آورده‌اند که از تخصص مربوطه دارند. هیچ زبان طبیعی شناخته شده‌ای تاکنون توسط انسان طراحی نشده است که برای کل دنیا مناسب باشد. و زبان اسپرانتو<sup>۱۶</sup> نیز که با هدف ایجاد یک زبان جهانی، طراحی گردیده، زبانی مبهم و پیچیده است.

از هنگام تشکیل کمیسیون بورس و اوراق بهادار تلاش شد تا روح تکاملی نهفته در مفهوم اصول پذیرفته شده حسابداری کنار گذاشته شود و مقررات حسابداری از طریق فرایندی مشورتی، طراحی و اجرا شود. نتیجه تلاش‌های کمیته تحقیقات حسابداری<sup>۱۷</sup> (ARC) در طی سال‌های ۱۹۵۹-۱۹۳۹ با عنوان *خبرنامه‌های تحقیقات حسابداری*<sup>۱۸</sup>، پیشنهادات مقدماتی کارشناسانی بود که در مورد موضوع مورد نظر، تحقیقاتی را انجام داده بودند. در حالی که هدف کمیته تحقیقات حسابداری بی‌تردید، تکامل اصول پذیرفته شده حسابداری و حتی شاید مدون کردن برخی رویه‌های حسابداری موجود بود، اما انتشارات کمیته و نوشته‌های آن، اهمیت و قابلیت‌های لازم را نداشتند و توجه چندانی به آنها نمی‌شد.

با گذشت بیست سال، هیات اصول حسابداری<sup>۱۹</sup> (APB) و اظهارنظرهای آن، جایگزین کمیته تحقیقات حسابداری و خبرنامه‌های تحقیقاتی آن شد. به قدرت بیشتر در نام این سازمان دقت کنید "هیاتی که اصول را مشخص می‌کند". اگر چه، خروجی‌های این هیات، فراتر و گسترده‌تر از خبرنامه‌های تحقیقاتی کمیته تحقیقات حسابداری بود، اما با این وجود، عنوانی بیش از اظهارنظر، به این خروجی‌ها داده نمی‌شد و هرگز ادعا نشد که هر یک از این اظهار نظرهای منتشر شده توسط هیات در خصوص یک موضوع نسبت به سایر نظرهای مطرح شده بهتر است. همچنین در

بود، آنها را از ویژگی‌های لازم برای پذیرش عمومی محروم می‌ساخت که در زبان‌های طبیعی و زنده مستتر است. در عوض، وجود هیات استانداردهای حسابداری مالی موجب شد که حسابداران رسمی تا حد امکان از انجام قضاوت چشم‌پوشی کرده و از هیات درخواست کنند که مقررات مربوطه را به روشنی مشخص سازد.

بدتر اینکه در برخی موارد، مدیران شرکت، بانکداران و حساب‌برسان در خصوص استانداردهای مصوب هیات استانداردهای حسابداری مالی اختلاف داشتند. چرا آنچه که قرار بود راه حل مشکل گزارشگری مالی باشد، خود به مشکلی دیگر تبدیل شده بود؟ پیامدهای سقوط انرون و بحث‌های پیرامون آن، پس از سه دهه تلاش مستمر، این انتقاد را به هیات استانداردهای حسابداری مالی وارد کرده که به جای گسترش حسابداری مبتنی بر اصول، به وضع مقررات پرداخته است. بدتر آنکه این انتقاد توسط کسانی مطرح می‌شد که حتی در صورت در اختیار داشتن زمان و منابع مشابه، نمی‌توانستند کاری بهتر از آنچه ارائه دهند که توسط هیات استانداردهای حسابداری مالی انجام گردید.

با پدیدار شدن نشانه‌هایی مبنی بر پیشرفت سیستم گزارشگری مالی در آمریکا، جایگزینی مفهوم اصول پذیرفته شده حسابداری با یک دستورالعمل<sup>۱۶</sup>، در طی ۳۰ سال گذشته در سراسر جهان گسترش یافت.

این بحث بدون بیان مخالفت به سرعت گسترش یافت و دولت‌ها و حسابداران بسیاری از کشورها را متقاعد ساخت تا نهادهای تدوین استانداردهای محلی تاسیس کنند که از بسیاری جهات مشابه هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا بودند. در این زمان، توسعه تکاملی اصول پذیرفته شده حسابداری مغضوب واقع شد و مقرراتی که مراجع قانونی پشتیبان آن بودند، در سراسر جهان جایگزین آن شد. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نتیجه پذیرش این دیدگاه تاسیس هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری<sup>۱۷</sup> (IASB) است که حسابداری باید از طریق مقررات طراحی شده توسط هیات مشورتی هدایت شود نه از طریق اصولی که از پذیرش عمومی برخوردار است.

فرایند تدوین مقررات، کار بسیار مشکل و پیچیده‌ای است. حتی اگر هیات‌های تدوین‌کننده استاندارد، معیارهایی

برای تشخیص مقررات مطلوب داشته باشند، به سختی می‌توانند دریابند که چه مقرراتی برای تحقق بخشیدن به این معیارهای تعیین شده مناسب‌تر است. بخش عمده‌ای از نظرات ارائه شده به هیات‌ها، به گونه‌ای است که بیشتر به نفع افراد ارائه‌کننده آن نظرات می‌باشد.

شایان ذکر است اطلاعات چندانی در خصوص پیامدهای مقررات جایگزین و به‌ویژه جدید، وجود ندارد. انجام مطالعات تطبیقی در یک زمینه، نیازمند به‌کارگیری مقررات مختلف و وجود رقابت بین آنها است. انحصار مجموعه‌ای از استانداردهای خاص در سطح جهان، در عمل، جمع‌آوری داده را برای انتخاب آگاهانه مقررات، غیرممکن ساخته است. چون هیچ بحث و جدلی در خصوص مقرراتی انجام نمی‌شود که توسط تدوین‌کنندگان انحصاری مقررات انتخاب شده‌اند. مقررات ضعیف انتخاب شده همچنان پابرجا باقی می‌ماند و مشکلات بیشتری را به وجود می‌آورند.

مزیت رویکرد استانداردها<sup>۱۸</sup> برای حسابداری این است که در صورت تغییر شرایط می‌توان واکنش سریع‌تری نشان داد اما در عین حال، این خطر را هم دارد که واکنش مذکور ممکن است اوضاع را نه تنها بهتر نکرده، بلکه حتی بدتر کند. هیات‌های تدوین استانداردها آمادگی دارند تا از منابع کارشناسی خود برای بررسی سوءاستفاده‌های مشاهده شده در گزارشگری مالی استفاده کنند و با ارائه روشی خاص بتوانند در آینده جلوی این سوءاستفاده‌ها را بگیرند. بسیاری از پروژه‌های تدوین استاندارد حسابداری، در زنجیره کنش - واکنش بین مقررات و رفتار مدیریت گرفتار شده و به شکست انجامیده‌اند.

شناسایی جنبه‌های مختلف اقتصادی بازی مدیران، بانک‌های سرمایه‌گذاری و وکلا با مقررات حسابداری، وضعیت پیچیده‌ای را برای تدوین‌کنندگان مقررات ایجاد کرده است. تدوین‌کنندگان مقررات می‌توانند با مشخص کردن انگیزه‌های هر یک از بازیگران این بازی، نتایج احتمالی آن را تجزیه و تحلیل کنند. برای نمونه ممکن است مدیران تمایل داشته باشند در طی دوره مدیریت خود، ارزش فعلی پاداش‌های دریافتی خود و از سوی دیگر، بانک‌های سرمایه‌گذاری بخواهند ارزش فعلی کارمزد

بعد از فروپاشی انرون و دیگر رسوایی‌های گزارشگری مالی، بحث‌های زیادی در مورد اینکه حسابداری باید مبتنی بر اصول باشد یا مقررات، صورت گرفت. امکان آنکه یک هیات دائمی برای نوشتن استانداردهای حسابداری، همیشه به سراغ اصول برود بدون درگیر شدن در مقررات مفصل، وجود ندارد. ایجاد کمیته‌ها و هیات‌های تدوین‌کننده مقررات، کار ساده‌ای است. بسیاری از کشورها در این راه از ایالات متحده تبعیت کردند. در مجموع به سختی می‌توان بر علیه مقررات قانونی حسابداری سختی گفت که توسط یک قدرت اجرایی حمایت می‌شود.

در مقابل، تکامل اصول پذیرفته شده حسابداری از طریق اجرای این اصول و جلب اتفاق نظر عموم در خصوص آنها و عدم به‌کارگیری قدرت اجرایی، کار بسیار سختی است و مستلزم قضاوت مدیران، حسابداران، بانک‌های سرمایه‌گذاری، تحلیلگران مالی، تدوین‌کنندگان مقررات و سایر افراد می‌باشد. دفاع از قضاوت، مانند پیروی از یک سری مقررات خاص، ساده نیست. این فرایند، به تکامل زبان شباهت بسیاری دارد. کلمات جدید و کاربردها به خودی خود پدید می‌آیند و در حالی که بیشتر آنها از بین می‌روند، تعداد کمی از آنها باقی مانده و نزد عموم پذیرفته می‌شوند. واژه‌نگاران، دستوردانان و سایر صاحب‌نظران هر زبان، به جمع‌آوری داده، تجزیه و تحلیل و خلاصه کردن آنها می‌پردازند و این داده‌ها را به همراه قضاوت‌های شخصی خود در قالب لغت‌نامه، مقاله و کتاب به دیگران ارائه می‌کنند. نفوذ و قدرت این افراد به واسطه احترامی است که از طریق نوشته‌هایشان به دست آورده‌اند. در دنیای زبان طبیعی، اختیار و قدرت واقعی وجود ندارد. با این وجود، از طریق این فرایند سازماندهی نشده و نامنظم، کاربران زبان‌های طبیعی، قابلیت‌های ارتباطی را ایجاد می‌کنند که مشابه با هیچ روش شناخته شده دیگری نیست.

مفهوم عرف<sup>۲۰</sup> در انگلستان، از طریق رسوم، عادت‌ها و سنت‌ها و رویه‌های قضایی پذیرفته شده، ایجاد شده است. لندری<sup>۲۱</sup> می‌گوید "عرف" مقررات نانوشته‌ای است که "مردم عادی" سرچشمه می‌گیرد، در حالی که سرچشمه "قانون"<sup>۲۲</sup>، "خبرگان" هستند. به واسطه استفاده بسیار طولانی و پذیرش عمومی عرف در بریتانیا، این رویه‌ها

معاملات خود را حداکثر کنند. در حالی که انجام چنین تجزیه و تحلیل‌هایی در حوزه خصوصی کاملاً قابل درک است، ولی در صورت انجام در حوزه عمومی به مشکل برمی‌خورد. تدوین‌کنندگان مقررات نمی‌توانند بدون بررسی دقیق انگیزه‌های شخصی افراد، انگیزه‌های حوزه خصوصی را به اجزای<sup>۱۹</sup> خود تعمیم دهند. تدوین‌کنندگان مقررات و اجزای آنها، به جای رفع این کاستی‌ها، به فعالیت‌هایی پرداختند که هرکس ادعا می‌کرد در جهت حداکثر کردن منافع عموم - به ویژه عموم سرمایه‌گذاران - انجام می‌دهد و از تجزیه و تحلیل انگیزه‌های واقعی و بررسی سایر مقررات جایگزین و رفتارهای پنهانی بازیگران این بازی اجتناب کردند.

وجود نهاد دائمی تدوین‌کننده استاندارد، باعث تضعیف توانایی و تمایل حساب‌برسان به انجام قضاوت حرفه‌ای می‌شود. حساب‌برسان با توجه به فشار مشتریان (صاحب‌کاران)، مجبور شدند از تدوین‌کنندگان مقررات بخواهند مقرراتی را روشن و واضح سازند که قبل از آنها تنها در نوشته‌ها و کتاب‌ها آمده بود برای تدوین‌کنندگان مقررات هیچ مبنای منطقی و معقولی جهت پذیرش برخی از این درخواست‌ها وجود ندارد. با توجه به برنامه زمانی تدوین‌کنندگان مقررات، تعداد درخواست‌هایی محدود گردید که باید در دستور کار قرار می‌گرفتند. با این وجود، سازمان تدوین‌کننده مقررات برای بقا و ادامه فعالیت، نیاز به موضوعاتی داشت که آنها را در دستور کار خود قرار دهد. به وجود آمدن تشکیلات دائمی تدوین استاندارد و واضح‌تر شدن مقررات به تقویت یکدیگر کمک کردند. دستورالعمل‌ها بیشتر و بیشتر می‌شدند و این پرسش به فراموشی سپرده می‌شد که آیا گزارش‌های مالی تهیه شده به واسطه این مقررات به‌طور منصفانه وضعیت و عملکرد شرکت را نشان می‌دهند یا خیر؟ اگر حساب‌برس یا مدیر در مورد منصفانه بودن گزارش مالی تردید داشتند، باید از میان "عین" عبارات مقررات معین - که ملزم بودند برای مجازات نشدن از آن پیروی نمایند - و "معنای (روح) حقیقی" مقررات - که امری قضاوتی بود و پیامدهای آن کمابیش نامشخص بود - یکی را انتخاب کنند. لذا چندان عجیب نبود که حساب‌برس "عین عبارات" را بر "معنای حقیقی مقررات" ترجیح دهد.

پس از رسوایی‌های تجاری دهه ۱۹۲۰ و سقوط بازار سهام در سال ۱۹۲۹ و به منظور جلب اعتماد سرمایه‌گذاران انجام گرفت. اما در هر حال هنوز روشن نیست که آیا وجود چنین الزاماتی، موجب آگاهی بیشتر بازار می‌شود یا خیر.

در سال‌های قبل از ۱۹۳۳، مدیران هر شرکت با توجه به مخارج و کوشش‌ها و اصلاحات احتمالی لازم گزارش‌های مالی تصمیم می‌گرفتند که آیا حساب‌برسان مستقل را به کار گیرند یا خیر و حتی در برخی موارد نگران بودند حساب‌برسان به مسائلی پی ببرند که نباید در شرکت اتفاق می‌افتاد. مدیران شرکت، هزینه‌های تحمیلی به شرکت و خودشان را با منابع بالقوه حاصل از متقاعد ساختن سهامداران، وام‌دهندگان و در مسافت‌کنندگان مالیات در خصوص قابلیت اعتماد صورت‌های مالی مقایسه می‌کردند. در صورتی که منافع حاصل از مخارج مربوطه بیشتر می‌شد، انجام حساب‌برسی مستقل، منطقی و به سود شرکت تشخیص داده می‌شد. از طرف دیگر، اگر مدیران شرکت به این نتیجه می‌رسیدند که هزینه یا ریسک حساب‌برسی بیش از منافع اطمینان‌بخشی به سرمایه‌گذاران است، تصمیم به عدم انجام حساب‌برسی می‌گرفتند. این موضوع که آیا شرکت تمایل به حساب‌برسی گزارش‌های خود دارد یا خیر، اطلاعات ارزشمندی برای سرمایه‌گذاران به همراه دارد. در شرایط مساوی، شرکت‌هایی که می‌خواهند گزارش‌های مالی آنها توسط حساب‌برسان مستقل حساب‌برسی شود، چیزی برای پنهان کردن از سرمایه‌گذاران ندارند؛ یعنی مدیران این شرکت‌ها در خصوص وضعیت، عملکرد و آینده شرکت، اشخاصی قابل اعتمادتر هستند و سرمایه‌گذاران به آنها بیشتر اعتماد می‌کنند. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاران ممکن است به این نتیجه برسند که به شرکت‌هایی اعتماد کمتری کنند که نمی‌خواهند گزارش‌های مالی آنها توسط حساب‌برسان مستقل حساب‌برسی شود و سرمایه‌گذاری چندانی در این شرکت‌ها انجام ندهند.

اما هنگامی که حساب‌برسی مستقل، به صورت الزام قانونی درآید، امکان استفاده از حساب‌برسی اختیاری از مدیران توانا سلب می‌شود و آنان قادر به نشان دادن تفاوت‌های خویش با مدیران ضعیف‌تر به سرمایه‌گذاران نخواهند بود. به عبارت دیگر، تصمیم به استفاده از خدمات حساب‌برسی مستقل،

قدرت اجرایی پیدا کرده است. این رویه‌ها بیشتر از طریق دفاعیه‌ها، دعاوی حقوقی و قضاوت‌ها، گزارش‌ها، تصمیمات قضایی، بحث‌ها و عقاید افراد آگاه و تحصیلکرده، عقاید باقی‌مانده از زمان‌های قدیم و نوشته‌ها حاصل شده و در دسترس هستند (هیل، ۱۷۱۳).

در حوزه گزارشگری مالی در نیم قرن اخیر، رویکرد مبتنی بر عرف به سرعت جای خود را به رویکرد مبتنی بر قانون کمیته‌ها و هیات‌های تدوین مقررات داده است. شاید مفید باشد بعد از نتایج به دست آمده در دهه‌های اخیر، مزایای رویکرد مبتنی بر عرف مجدداً مورد توجه قرار گیرد. حتی اگر رویکرد مبتنی بر عرف قابل پذیرش نباشد، باید برای رسیدن به کمال مطلوب، مجموعه‌ای از استانداردهای حسابداری جایگزین را مورد توجه قرار داد.

#### حساب‌برسی

قانون بورس و اوراق بهادار آمریکا مصوب ۱۹۳۳، شرکت‌های سهامی عام را ملزم ساخت تا حساب‌برس مستقل، منصفانه بودن گزارش‌های مالی آنها را گواهی کند. هرچند پیش‌نویس اولیه این قانون، وظیفه مذکور را به دیوان محاسبات - که ابزار نظارتی مجلس نمایندگان است - محول کرده بود، اما انجمن حسابداران آمریکا (AIA)، توانست مجلس را قانع کند که امتیاز حساب‌برسی را به اعضای این انجمن - حسابداران رسمی - بدهد. حساب‌برسی اجباری که توسط حسابداران رسمی انجام می‌شود، پس از گذشت حدود هفت دهه، هنوز هم متداول است. هر دو جزء این نوع حساب‌برسی - اجباری بودن و امتیاز منحصر به فرد اعطا شده به اعضای یک سازمان خصوصی - هر دو شایسته توجه بیشتری هستند.

#### حساب‌برسی اجباری

شرکت‌های سهامی عام، سال‌ها قبل از آنکه قانون بورس و اوراق بهادار آمریکا، استفاده از حساب‌برسان مستقل را اجباری کند، از خدمات آنها استفاده می‌کردند. حساب‌برسی‌های انجام شده توسط حساب‌برسان مستقل، سرمایه‌گذاران را از درستی<sup>۲۳</sup> گزارش‌هایی آگاه می‌کرد که حساب‌برس آنها را گواهی کرده بود. تصویب این الزام قانونی

# تجربه ای نو

با

## سیستم یکپارچه مالی سپهر

عملکرد عالی

کیفیت مطلوب

پشتیبانی فنی مستمر

سادگی، کارایی و انعطاف فوق العاده

قابلیت انطباق با نیازهای مشتری

گارانتی عملکرد

قیمت مناسب

اجرا شده در صنایع و کاربردهای مختلف

نسخ استاندارد، حرفه ای و پیشرفته



info@setarehsepehr.com

www.setarehsepehr.com

تهران، خیابان ملاصدرا، بعد از چهار راه شیراز

ساختمان سارا، پ ۲۰ طبقه ۳ واحد ۱۳

تلفن: ۸۸۰۳۹۸۵۵ - ۸۸۰۳۹۴۴۸

نشانه پرهزینه‌ای است که تنها مدیران توانا، استفاده از آن را ارزشمند می‌یابند. برای مدیران دارای توانایی‌های کمتر، هزینه حسابرسی مستقل از منافع آن بیشتر خواهد بود. ترس این مدیران از افشای برخی اطلاعات، موجب می‌شود تا تمایلی به حسابرسی گزارش‌های مالی شرکت توسط حسابرسان مستقل نداشته باشند. قبل از تصویب قانون بورس و اوراق بهادار آمریکا در سال ۱۹۳۳، شرکت‌هایی که عملکرد بهتری داشتند، با به‌کارگیری حسابرسان مستقل، وضعیت مطلوب خود را به اطلاع عموم سرمایه‌گذاران می‌رساندند. ملزم ساختن همه شرکت‌های سهامی به استفاده از حسابرسان مستقل، باعث از بین رفتن نشانه مذکور شد و بدین ترتیب، میزان اطلاعات سرمایه‌گذاران در خصوص واحد تجاری و مدیریت آن کاهش یافت. پیامدهای اقتصادی انجام تغییر در قانون، ممکن است تفاوت شگفت‌انگیزی با اهداف مورد نظر تصویب‌کنندگان آن قانون داشته باشد.

### استقلال حسابرسان

در خصوص استقلال حسابرسان، تاکنون اظهارنظرهای فراوانی مطرح شده است. اخیراً بحث‌های زیادی در مورد ارائه خدمات مشاوره‌ای توسط حسابرسان صورت گرفته است و گفته می‌شود که با توجه به حق الزحمه‌هایی استقلال آنها نقض می‌شود که حسابرسان بابت ارائه خدمات مشاوره‌ای از مشتریان خود دریافت می‌کنند. به رغم آنکه حرفه حسابرسی، از بین رفتن استقلال خود را به شدت انکار می‌کند، می‌توان هزینه‌های ناشی از این موضوع را به آسانی مشاهده کرد. عده کمی از مردم، حاضر به پذیرش دلایل حرفه حسابرسی در دفاع از ارائه خدمات مشاوره‌ای توسط حسابرسان به صاحبکاران هستند. در آمریکا، حرفه حسابرسی، در مسیر کنار گذاشتن ارائه خدمات مشاوره‌ای توسط حسابرسان به صاحبکاران قرار دارد.

اما مفهوم استقلال، فراتر از عدم ارائه خدمات مشاوره‌ای به صاحبکاران حسابرسی است. اگر درآمد خدمات مشاوره‌ای، استقلال حسابرسان را خدشه‌دار می‌کند، بسیاری از درآمدهای ناشی از خدمات حسابرسی نیز چنین ماهیتی دارند. اگر حسابرسان به امید دریافت خدمات



از سوءاستفاده‌ها جلوگیری می‌کند. هیات استانداردهای حسابداری مالی بیان کرده که استانداردهای منتشر شده توسط این هیات، صرفاً رهنمود هستند و در معرض تفسیر افراد مختلف هستند. گرین برگ بیان می‌کند که هرگاه مدیریت بخواهد نتایج را به دلخواه خود تغییر دهد، حسابرسان باید به نحو مقتضی دخالت کنند.

#### رقابت در مقابل استقلال

گرچه بحث‌های اخیر در خصوص حسابرسی، عمدتاً به استقلال حسابرسان پرداخته‌اند، اما در همه موارد این چنین نبوده است. در دهه ۱۹۷۰، مجلس نمایندگان آمریکا، بررسی دقیقی در خصوص رقابت و استقلال در حرفه حسابرسی انجام داد. رقابت و استقلال در حسابرسی با یکدیگر رابطه نزدیک و پیچیده‌ای دارند. سیاست‌هایی که با ارزیابی ناقص این رابطه تدوین شوند، موجب لطمه زدن به هر دو مقوله رقابت و استقلال در حرفه حسابرسی می‌شوند. در این دو شیوه اندیشیدن در خصوص رابطه بین استقلال و رقابت را تشریح می‌کنیم.

در یک دیدگاه، بین رقابت و استقلال در حسابرسی رابطه‌ای تقریباً مکانیکی وجود دارد که طیف گسترده‌ای را در برمی‌گیرد. در یک سوی این طیف، فرض کنید در کل اقتصاد، تنها یک موسسه حسابرسی بسیار بزرگ وجود داشته باشد. در این حالت، حسابرس باید برای حسابرسی همه شرکت‌ها، منابع کافی در اختیار داشته باشد. هیچ یک از صاحبکاران به تنهایی، سهم قابل توجهی از درآمدهای موسسه حسابرسی را تشکیل نمی‌دهند. بنابراین در اینجا استقلال حسابرس، حداکثر است، اما رقابتی در بازار خدمات حسابرسی وجود ندارد و احتمالاً انحصار باعث عدم کارایی می‌شود. در سوی دیگر این طیف، ما می‌توانیم تعداد زیادی حسابرس کوچک داشته باشیم، حتی به تعداد شرکت‌های صاحبکار، به گونه‌ای که هر حسابرس کاملاً به یک صاحبکار وابسته باشد. در چنین بازاری رقابت حداکثر است اما استقلال بسیار کم است. هر حسابرس برای ادامه فعالیت خود، به شدت به مشتریان کم تعداد خود وابسته است و برای تن دادن به خواسته‌های مشتریان خود تحت فشار شدید اقتصادی قرار دارد. بین دو حالت افراطی ذکر

مشاوره‌ای، در جهت تامین خواسته‌های مدیریت صاحبکار عمل کنند و قضاوت آنها تحت تاثیر قرار گیرد، پذیرش کار جدید یا حفظ کارهای حسابرسی قبلی نیز می‌تواند تاثیر مشابهی بر قضاوت حسابرسان داشته باشد. حال این پرسش مطرح است که در سیستم حسابرسی فعلی چگونه باید با این مساله برخورد کرد مدیرانی که گزارش‌های مالی ارائه شده توسط آنها حسابرسی می‌شود، خود مامور پرداخت حق‌الزحمه حسابرسان هستند.

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، پیش‌نویس اولیه قانون بورس و اوراق بهادار، دیوان محاسبات را مسئول حسابرسی شرکت‌های سهامی عام کرده بود. اگر حسابرسی در انحصار دولت باشد، کارایی و فناوری حسابرسی، بهبود چندانی نمی‌یابد. شرکت‌هایی که سهام آنها در بورس پذیرفته شده معمولاً توسط سازمان‌های کنترل شونده توسط آن بورس‌های سهام و شرکت‌های غیربورسی، توسط دولت ایالتی حسابرسی می‌شوند که در آن ثبت شده‌اند. یک گزینه این است که انجام این حسابرسی‌ها، اجباری باشد و بخشی از خدمات نظارتی بورس‌های سهام و یا ایالت‌های مربوطه باشد. راه کار دیگر آن است که بورس‌ها یا ایالت‌ها می‌توانند به شرکت‌ها اجازه دهند که به عنوان شرکتی حسابرسی شده یا حسابرسی نشده در بورس پذیرفته یا در آن ایالت ثبت شوند و نتایج این انتخاب شرکت‌ها، به اطلاع عموم سرمایه‌گذاران برسد. در این صورت، شرکت‌ها از یک سو می‌توانند در بورس‌ها یا ایالت‌های مختلف ثبت شوند و از سوی دیگر خود تعیین کنند که صورت‌های مالی آنها حسابرسی شود یا خیر. این موضوع، شانس دریافت حق‌الزحمه‌های کلان توسط حسابرسان قانونی را به حداقل می‌رساند و از سوی دیگر، این حسابرسان مانند حالتی که در سراسر کشور تنها یک حسابرس وجود داشته باشد (که آن حسابرس هم که توسط دولت کنترل می‌شود)، ناکارآمد نخواهند بود.

گرین برگ<sup>۲۴</sup> (۱۹۹۸) می‌گوید هر یک از صورت‌های مالی شرکت‌ها باید طبق اصول پذیرفته شده حسابداری تهیه شده و مورد تایید حسابرسان قرار گیرند. اصول پذیرفته حسابداری معمولاً سپر حمایتی سیستم حسابداری شرکت است. از لحاظ نظری، اصول پذیرفته حسابداری، از بسیاری

رقابت باعث کاهش کیفیت کالاها و خدمات ارائه شده شود. دیوان عالی آمریکا که تا سال ۱۹۷۷ بر ممنوعیت تبلیغات در بازار خدمات حرفه‌ای صحنه گذاشته بود، در این سال طی حکمی، دادگاه ایالت آریزونا را از ممنوع کردن تبلیغ خدمات حرفه‌ای در این ایالت برحذر داشت. گرچه این تصمیم براساس اصل آزادی بیان گرفته شده که در اولین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا تضمین شده بود، اما در این میان، بحث درخصوص فرصت‌های کسب شهرت، نقش عمده‌ای را بازی کرد. این حکم نقطه عطفی برای حرفه حسابرسی در آمریکا شد. حکم دیوان عالی موجب تا دولت آمریکا، سیاست خود را در مورد رقابت حرفه‌ای تغییر دهد و جوامع حرفه‌ای را برای حذف شروط ضد رقابتی هر آیین رفتار حرفه‌ای تحت فشار قرار دهد. بدین ترتیب، انجمن حسابداران رسمی آمریکا نیز آیین رفتار حرفه‌ای خود را از سال ۱۹۷۹ تغییر داد.

می‌هیو<sup>۲۹</sup> و همکاران (۲۰۰۱)، با انجام تحقیقی بررسی کردند که آیا بی‌ثباتی معاملات حسابداری، می‌تواند بی‌طرفی حسابرس را در هنگامی تحت تاثیر قرار دهد که وی می‌خواهد از طریق گزارشگری بی‌طرفانه شهرت یابد یا شهرت و اعتبار خود را در این زمینه حفظ کند. نتایج تحقیق آنها آشکار ساخت که بی‌ثباتی در حسابداری، بر رفتار حسابرسی در بازار و انگیزه‌های حسابرس برای کسب شهرت یا حفظ آن اثر دارد. همچنین نتایج نشان داد در صورتی که بی‌ثباتی در حسابداری وجود نداشته باشد، حسابرسان همچنان بی‌طرف باقی می‌مانند. از سوی دیگر، در صورت وجود بی‌ثباتی در حسابداری، حسابرسان تمایل دارند تا با گزارشگری نادرست به نفع صاحبکار، بی‌طرفی خود را نقض کنند. می‌هیو و همکاران نتیجه گرفتند که اصول پذیرفته شده حسابداری و استانداردهای پذیرفته شده حسابرسی غیرشفاف، احتمال نقض بی‌طرفی توسط حسابرس را کاهش می‌دهند. همچنین نتایج نشان داد در زمانی که قانونگذاران با بی‌ثباتی در حسابداری روبه‌رو باشند، باید انگیزه‌های حسابرس برای بی‌طرفی را افزایش دهند.

شایان ذکر است که تعمیم بحث "شهرت" از حرفه‌های ۷۱ پزشکی، دندانپزشکی و حقوق به حسابرسی، اساساً با

شده، گزینه‌های مختلفی وجود دارد. اگر ما از یک سوی طیف به سوی دیگر حرکت کنیم، می‌توانیم با کاهش استقلال، به رقابت بیشتری دست یابیم یا با صرف نظر کردن از رقابت، به استقلال بیشتری برسیم. مجموع استقلال و رقابت همیشه ثابت است و ما نمی‌توانیم در هر مورد به استقلال یا رقابت بیشتری دست یابیم.

#### در جستجوی رقابت

پس از حدود ۲۵ سال تلاش برای افزایش رقابت، در حرفه حسابرسی آمریکا، با کمال شگفتی تنها چهار موسسه بزرگ فعالیت داشتند. دلیل این امر چه بود؟

در حالی که قوانین ضدتراست از نیمه دوم قرن ۱۹ برای افزایش رقابت در تجارت و صنعت ایالات متحده مطرح شد، این قوانین در حرفه‌هایی از قبیل پزشکی، وکالت و حسابداری به اجرا در نیامد. در اخلاق حرفه‌ای این رشته‌ها، تبلیغات ممنوع است و جذب مشتریان و کارکنان رقبا، رفتاری غیرحرفه‌ای تلقی می‌شود. منطق اقتصادی موضوع، در عدم تقارن اطلاعاتی نهفته است. مشتریان این حرفه‌ها به سختی می‌توانند کیفیت خدمات ارائه شده را مشاهده کنند. همچنین، اغلب در خصوص اینکه چه خدماتی باید ارائه شود، با افراد حرفه‌ای مشورت می‌کنند. در این جا این نگرانی وجود دارد که با تاکید بر رقابت در این زمینه، علاوه بر کاهش قیمت، کیفیت خدمات حرفه‌ای قابل ارائه نیز کاهش یابد و در نتیجه بازار این خدمات با افت مواجه شود. جورج آکرلوف<sup>۲۵</sup>، این ایده را در مدل مشهور خود با نام بازار لیمو<sup>۲۶</sup> در قالبی مشخص ارائه و جایزه نوبل رشته اقتصاد را در سال ۲۰۰۱ دریافت کرد.

هنگام انتشار بحث‌های آکرلوف در سال ۱۹۷۰، این پرسش مطرح شد که آیا این بحث‌ها در مورد بازار خدمات حرفه‌ای نیز مصداق دارد یا خیر.

استیگلر<sup>۲۷</sup> بیان کرد رقابت پدیده‌ای جدی است و شهرت<sup>۲۸</sup> کیفیت کالاها یا خدمات ارائه شده به عنوان پادزهری موثر برای مشکلات ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی به کار می‌رود. هنگامی که فروشندگان می‌توانند از طریق مصرف‌کنندگان خود اعتبار کسب کنند، نباید نگران بود که

مشکل مواجه است، زیرا نتایج ارائه خدمات حقوقی و پزشکی به استفاده کنندگان (حداقل بعد از ارائه آنها)، قابل مشاهده است. از آنجا که این مشاهدات، رابطه‌ای منطقی (هرچند ناقص) با کیفیت خدمات ارائه شده دارند، در شرایط رقابتی "شهرت"، می‌تواند این بازارها را از خطر سقوط حفاظت کند. اما این موضوع در مورد بازار خدمات حسابرسی مصداق ندارد.

مدیران شرکت، حسابرسان را به استخدام شرکت در می‌آورند و مشتریان واقعی حسابرسان، یعنی سرمایه‌گذاران - هرگز حسابرسان را نمی‌بینند. حتی اگر حسابرسان کار خود را با جدیت کامل انجام دهند، سرمایه‌گذاران نمی‌توانند این موضوع را مشاهده کنند. مدیران، حسابرسان را کاملاً تحت نظر دارند و از انگیزه کافی برای کسب اطمینان از حسابرسی صحیح گزارش‌های ارائه شده برخوردارند. تنها در شرایط استثنایی، یعنی هنگام روبرو بودن شرکت با مشکل مالی، پرسش‌هایی در خصوص منصفانه بودن صورت‌های مالی و کیفیت کار حسابرسان مطرح می‌گردد و در بیش از ۹۹ درصد موارد، سوالی در مورد کیفیت حسابرسی مطرح نمی‌شود و هیچ‌کس بررسی نمی‌کند که حسابرسان واقعاً چگونه عمل کرده است. در چنین محیطی به ندرت برای حسابرسان فرصتی پیش می‌آید تا بر مبنای کیفیت کار خود، شهرت و اعتبار کسب کنند. بنابراین بحث شهرت را نمی‌توان به آسانی از حرفه‌های دیگر به حسابرسی تعمیم داد.

در هر حال این موضوع به حرفه حسابرسی تعمیم یافته و در بازار رقابتی، مسئولان شرکت‌ها هر ساله، از موسسات حسابرسی درخواست می‌کنند تا قیمت پیشنهادی خود را برای انجام حسابرسی ارائه دهند. سپس با کمترین قیمت پیشنهادی با حسابرسان قرارداد می‌بندند و سعی می‌کنند قیمت‌ها را هر ساله کاهش دهند. با توجه به کاهش قیمت‌ها، حسابرسان نمی‌توانند همه آزمون‌هایی را تکرار کنند که در طی سال‌های گذشته انجام داده‌اند. آنها مجبور به تغییر برخی موضوعات هستند و برای ادامه حیات در این محیط رقابتی جدید، تحت فشار هستند؛ لذا مدل تجاری جدید برای خود طراحی کرده‌اند. این مدل جدید سه مولفه شامل محصول ترکیبی جدید<sup>۳۰</sup>، وظیفه تولیدی جدید<sup>۳۱</sup> و سیاست جدید حقوق و مزایا<sup>۳۲</sup> دارد.

مدل تجاری جدید برای موسسات حسابرسی  
حسابرسان همیشه در کنار ارائه گسترده خدمات حسابرسی، خدمات مشاوره‌ای محدودی نیز به مشتریان خود ارائه می‌کردند. آنان می‌دانستند با ارائه خدمات مشاوره‌ای بیشتر به مشتریان حسابرسی خود، درآمد بیشتری بدست می‌آورند. حسابرسان در کنار داشتن رابطه تجاری نزدیک با مدیریت ارشد شرکت، شناخت کاملی از عملیات، وضعیت مالی و نقاط ضعف و قوت واحد تجاری کسب می‌کردند. رابطه دیرینه و اعتماد دو طرفه موجود بین مدیریت شرکت و حسابرسان، مدیریت را ترغیب می‌کند که به جای جستجوی یک مشاور ماهر، وظیفه مشاوره را به حسابرسان بسپارد. با این کار، از یک سو مدیریت در مخارج مربوط به جستجوی مشاور حرفه‌ای، صرفه‌جویی می‌کند و از سوی دیگر، موسسه حسابرسی نیز در مخارج بازاریابی خود صرفه‌جویی می‌کند. حسابرسان می‌خواهند از این موضوع برای بازگرداندن پول‌هایی استفاده کنند که به واسطه افزایش رقابت در عملیات حسابرسی از دست داده‌اند. در سال‌های اخیر، انتقاداتی از خدمات مشاوره‌ای مطرح شده است که توسط حسابرسان ارائه می‌شود در هر حال باید اذعان کرد که گسترش سریع خدمات مشاوره‌ای ارائه شده توسط حسابرسان، نمی‌تواند اثر مثبتی بر تلاش آنان داشته باشد که منصفانه بودن صورت‌های مالی ارائه شده توسط مدیریت را بررسی می‌کنند. نباید فراموش کرد که با گسترش خدمات مشاوره‌ای، به دلیل افت بازار حسابرسی، کار شرکت‌های حسابرسی وارونه شده است. به عبارت دیگر، هنگامی که دولت رقابت را در بین شرکت‌های حسابرسی تشدید می‌کند، قیمت‌ها و سودآوری حسابرسی کاهش می‌یابد، لذا حسابرسان به خدمات مشاوره‌ای رو می‌آورند. گسترش خدمات مشاوره‌ای علت افت بازار حسابرسی نیست بلکه خود نتیجه و پیامد آن است. متأسفانه بسیاری از راهکارهای اجرایی، از جمله مقرراتی که اخیراً به منظور جلوگیری از افت حسابرسی وضع شده‌اند، به اشتباه خدمات مشاوره‌ای را عامل ایجاد مشکل تشخیص داده‌اند. لذا احتمالاً چنین راهکارهایی در عمل موثر نخواهند بود.

مولفه دوم این مدل تجاری، شامل وظیفه تولیدی جدید

بدهی‌ها و مسئولیت‌ها، باعث از بین رفتن سود می‌شوند در اواسط دهه هشتاد، به دلیل اهمال و کوتاهی حساب‌برسان، دعاوی قانونی زیادی علیه آنها مطرح می‌شد. دعاوی مطروحه با توافقات به عمل آمده در درون یا بیرون از دادگاه، حل و فصل می‌شدند و حتی در برخی موارد، حساب‌برسان تنها برای یک کار حسابرسی، بیش از صد میلیون دلار خسارت پرداخت کردند. مدل تجاری جدید، قادر به تحقق سودهای مورد انتظار حساب‌برسان نبود و حساب‌برسان مجبور به تجدیدنظر در آن بودند. آنها سه مولفه پیشگفته را تقویت کردند و مولفه چهارمی هم به آن اضافه کردند. تا آن زمان، بخش عمده از سودآوری حسابرسی را ارائه خدمات مشاوره‌ای تشکیل می‌داد. حساب‌برسان افرادی را به استخدام خود در آوردند که به جای تخصص در انجام پروژه‌های حسابرسی، توانایی‌های بیشتری برای کار در پروژه‌های مشاوره‌ای داشتند. موسسات بزرگ حسابرسی که تامین مالی کمیته تغییرات آموزش حسابداری انجمن حسابداری آمریکا را به عهده داشتند، از دانشگاه‌ها خواستند که به جای تربیت حسابداران حرفه‌ای، انديشمندانی راهبردی (بخوانید مشاورانی) تربیت کنند. آنها به افزایش نسبت آزمون‌های تحلیلی به آزمون‌های محتوا ادامه دادند تا مخارج نیروی کار حسابرسی را کاهش دهند. همچنین حرفه حسابرسی بر آن شد که برای مقابله با پیامدهای منفی افزایش رقابت، از مدل تجاری جدید خود پیروی کند؛ اما مسئولیت حساب‌برسان، مانعی در سر راه استفاده آنها از این مدل بود. حساب‌برسان تمام توجه خود را به یافتن چاره‌ای برای حل این مشکل معطوف کردند. در گذشته، در صورتی که دادگاه‌ها تشخیص می‌دادند که گزارش‌های مالی حسابرسی شده، وضعیت مالی و عملکرد شرکت را به نحوی منصفانه ارائه نکرده است، حساب‌برسان به همراه مدیران به طور تضامنی مسئول بودند و باید به شاکیان خسارت پرداخت می‌کردند. در چنین مواردی، اغلب چون سایر گروه‌های مسئول، منابع کمتری را در اختیار داشتند، حساب‌برسان معمولاً علاوه بر سهم خود، سهم عمده‌ای از خسارت سایر گروه‌ها را نیز پرداخت می‌کردند. در نهایت حساب‌برسان وجود مسئولیت تضامنی را به عنوان سرچشمه اصلی مشکلات دانستند و تصمیم گرفتند آن را با مسئولیت

برای حسابرسی است. کار حسابرسی شامل دو جزء اصلی یعنی بررسی تحلیلی و آزمون محتوا است. بررسی تحلیلی، ارزیابی مقایسه‌ای، مقطعی و سریع گزارش‌های مالی است تا صحت آنها در کل ارزیابی شود. آزمون محتوا، اثبات مستقیم منابع و تعهدات شرکت است و مستلزم بررسی دقیق و تفصیلی ماشین‌آلات فیزیکی، موجودی‌ها، بستانکاران و بدهکاران شرکت است. از اوایل نیمه دوم قرن بیستم، حساب‌برسان به منظور کاهش هزینه‌های حسابرسی، روش‌های آماری پیچیده‌ای را برای طراحی روش‌های نمونه‌گیری کارا ایجاد کرده‌اند و وظیفه خود را از انجام آزمون‌های محتوای پرهزینه به بررسی‌های تحلیلی کم هزینه محدود کرده‌اند. اکنون بخش قابل توجهی از کار حسابرسی را می‌توان بدون خروج از دفترکار و با زمان نیروی کار و هزینه اندکی انجام داد.

مولفه سوم مدل تجاری جدید، پایین بودن حقوق و مزایای داوطلبان جدید کار در حرفه حسابرسی بود. این موضوع در ابتدا باعث کاهش تعداد دانشجویانی شد که در رشته حسابداری تحصیل می‌کردند و چند سال بعد، تعداد افرادی که برای حسابداری رسمی شدن امتحان می‌دادند، به تبع آن کاهش یافت.

شاید حساب‌برسان انتظار داشته باشند که مدل تجاری جدید، بقای اقتصادی موسسات آنها را حفظ کند. اما چنین نیست زیرا تغییر مدل تجاری، پیامدهای قابل توجهی دارد که این مدل پاسخگوی این پیامدها نیست.

کاهش آزمون‌های محتوا به معنای ایجاد فرصت‌های بیشتر برای مدیرانی است که قصد دارند ارقام صورت‌های مالی را تحریف کند، چون با کاهش آزمون‌ها، این احتمال کاهش می‌یابد که این تحریف‌ها توسط حساب‌برسان کشف شود. تاکید فزاینده بر ارائه خدمات مشاوره‌ای با حاشیه سود بالا به مشتریان حسابرسی، اکثر شرکای حسابرسی را تحت فشار قرار می‌دهد تا این خدمات را به مشتریان ارائه کنند و به اصطلاح "فروشنده را به در خانه مشتری بیاورند".

کاهش قیمت خدمات حسابرسی باعث تغییر در وظیفه تولیدی و محصول ترکیبی شده و در نتیجه منجر به کاهش کیفیت خدمات حسابرسی شده، اما مسئولیت حساب‌برسان کاهش نیافته است.

نسبی جایگزین کنند تا بتوانند تنها سهم خود را از خسارت بپردازند. اما شاید این پرسش مطرح شود که این تغییر چگونه انجام شد؟

### یک راهبرد سیاسی

در طی سال‌های متمادی، پزشکان و وکلا بودجه انتخابات مختلف را تامین می‌کردند و در نتیجه از نتایج سیاسی آن بهره‌مند می‌شدند. حساب‌برسان نیز تصمیم گرفتند این کار را انجام دهند و شروع به ساماندهی و جمع‌آوری پول برای نامزدهای شرکت‌کننده در انتخابات کردند تا بتوانند به تدوین‌کنندگان مقررات دسترسی داشته باشند. حسابداران و حساب‌برسان، مشارکت مالی گسترده‌ای در انتخابات سال‌های ۱۹۸۸، ۱۹۹۰، ۱۹۹۲ و ۱۹۹۴ داشتند و تلاش کردند که در مجالس قانونگذاری ایالتی اعمال نفوذ کنند. در نتیجه این تلاش‌ها در سال ۱۹۹۵، مجلس نمایندگان، قانون اصلاحات دادخواهی اوراق بهادار خصوصی<sup>۳۳</sup> را تصویب کردند که مسئولیت حساب‌برسان را از تضامنی به نسبی تغییر داد. یکی از نکات جالب این قانون آن بود که به شرکت‌های عام اجازه می‌داد در گزارش‌های مالی خود به بیان چشم‌اندازهای آتی<sup>۳۴</sup> شرکت بپردازند. بدیهی است تا زمانی که این صورت‌ها به عنوان چشم‌انداز آتی خوانده شوند، مدیریت را نمی‌توان برای اشتباهات آنها مسئول دانست. این امر نشانه‌ای از قدرت لابی حسابداران بود.

قانون مصوب ۱۹۹۵، راه را برای موثر ساختن مدل جدید موسسات حسابرسی هموار ساخت. در اینجا یک اصطلاح جدید - خدمات اطمینان‌بخشی - برای تشریح بخش حسابرسی کسب‌وکار حساب‌برسان، مطرح شد. حساب‌برسان به کمک درآمدهای حاصل از خدمات مشاوره‌ای می‌توانستند سهم خود را از تعهدات و بدهی‌های قانونی ناشی از ارائه خدمات اطمینان‌بخشی (که مربوط به آرای دادگاه‌ها بود) بپردازند. فشار وارده بر شرکای موسسات حسابرسی برای رسیدن به میزان درآمدهای مشاوره‌ای مورد نظر به اندازه‌ای افزایش یافته بود که بسیاری از افراد با سابقه حرفه را مجبور به بازنشستگی پیش از موعد کرد. هرچند رقابت موجود بین حساب‌برسان برای ارائه

خدمات مشاوره‌ای در کوتاه‌مدت منافی را برای حساب‌برسان به همراه داشت، اما در بلندمدت باعث قربانی شدن آنها گردید.

### تشخیص اشتباه کمیسیون بورس و اوراق بهادار

کمیسیون بورس و اوراق بهادار تلاش کرد تا رقابت پیشگفته را متوقف کند. اما کمیسیون بورس و اوراق بهادار نیز مشابه بسیاری از مراجع دیگر سرچشمه مشکل را به اشتباه درآمدهای مشاوره موسسات حسابرسی دانست و متوجه این موضوع نشد که رشد ارائه خدمات مشاوره‌ای به مشتریان حسابرسی تنها نشانه‌ای از رقابتی است که به واسطه تغییر در سیاست‌های دولت در دهه هفتاد بر موسسات حسابرسی تحمیل شده است. حسابداران در موارد متعدد از قدرت سیاسی خود در جهت عقب راندن برنامه کمیسیون بورس و اوراق بهادار برای ممنوع کردن ارائه خدمات مشاوره‌ای به مشتریان حسابرسی استفاده کردند. آنها در این مسیر موفق شدند و حساب‌برسان تنها ملزم شدند حق الزحمه‌های مشاوره را برای عموم منتشر کنند.

سقوط بازارهای سهام و رکودهای اقتصادی، باعث ورشکسته شدن تعداد زیادی از شرکت‌ها و برآورده نشدن انتظارات مردم می‌شوند و حسابداری و حسابرسی را با چالش جدی مواجه می‌کنند. تنها تفاوت وقایع سال ۲۰۰۲ با سال‌های قبل از آن، تعداد نسبتاً زیاد حوادث مترقبه حسابداری و حسابرسی و گستردگی آنها بود که در چند مورد به میلیارد دلار می‌رسید با تحمیل رقابت به حرفه حسابرسی در دهه ۷۰، دولت نه تنها استقلال حساب‌برسان را خدشه‌دار کرد، بلکه با کمال شگفتی به رقابت موجود بین موسسات حسابرسی نیز ضربه جدی وارد نمود و اکنون پس از حدود ۳۰ سال تلاش برای افزایش رقابت، تعداد موسسات حسابرسی بزرگ به نصف (چهار موسسه) تقلیل یافته است که اکثریت شرکت‌های سهامی عام را حسابرسی می‌کنند.

### نتیجه‌گیری: زمان تجدیدنظر

شرح مختصر وقایع مربوط به حسابداری و حسابرسی در آمریکا، مشخص می‌سازد که تجدیدنظر در نهادهای

حسابداری است و موفقیت احتمالی هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری و جایگزینی انحصارهای ملی با انحصار جهانی، این امر را تشدید می‌کند. از سوی دیگر، گسترش رقابت در بازار خدمات حسابرسی، استقلال حساب‌رسان را بیشتر خدشه‌دار می‌کند. نمایندگان مجلس ممکن است با گزارشگری مالی چندان آشنا نباشند و تماشای مسابقات بیس‌بال را به خواندن گزارش‌های مالی شرکت‌ها ترجیح دهند. لذا نیازمند راه‌حل‌های اساسی‌تری برای حل مشکل حسابرسی هستیم.

یک راه حل برای این مشکل، حذف الزام حسابرسی اجباری در مورد شرکت‌های سهامی عام است، به گونه‌ای که هر شرکت آزادانه بتواند در مورد حسابرسی شدن یا نشدن گزارش‌های مالی خود تصمیم بگیرد. ثانیاً، همان‌گونه که جاشوا رونن (۲۰۰۲) بیان کرده هر شرکت باید در مقابل تقلب در گزارش‌های مالی خود، برای سهامداران خود یک سیاست بیمه‌ای در نظر بگیرد. شرکت می‌تواند از میان مقادیر مختلف بیمه، یکی را انتخاب و سپس مقدار پوشش بیمه‌ای و حق بیمه‌ای را منتشر کند. که به شرکت بیمه پرداخت می‌کند قبل از انتشار سیاست بیمه‌ای و تعیین حق بیمه، شرکت بیمه حساب‌رسان خاص خود را برای تعیین درستی گزارش‌های مالی به شرکت می‌فرستد. این راه‌کار، باعث ادغام عملیات بیمه و حسابرسی در یک سازمان می‌شود و نیاز به نظارت دولت یا هر نهاد دیگری را بر فرایند حسابرسی شرکت‌های سهامی عام از بین می‌برد. تقلب‌های مالی را می‌توان، همان‌گونه که اسپیکر پیشنهاد داده است، در دادگاه ویژه حسابداری بررسی کرد. هیات مدیره میزان پوشش بیمه‌ای را تعیین می‌کند و برحق بیمه‌ای نظارت می‌کند که شرکت بیمه درخواست می‌نماید و بیانگر قابلیت اعتماد گزارش‌های ارائه شده توسط مدیریت است.

در مورد استقلال بیشتر هیات مدیره از مدیریت شرکت هم بحث‌های فراوانی مطرح شده است. اما، واضح است که هیات مدیره نه تنها باید مستقل باشد، بلکه باید توانمند، مورد اعتماد مدیریت و حامی منافع سهامداران اقلیت باشد. این شرایط اغلب سازگار و متضاد هستند. پیشنهادات جالب دیگری نیز ممکن است مطرح شوند. یکی اینکه باید انتخابات واقعی برای انتخاب اعضای هیات مدیره انجام

حسابداری و حسابرسی امری بدیهی است. در این مقاله، به مقررات حسابداری، الزامات حسابرسی، استقلال مدیران و پاداش مدیران اجرایی اشاره کردیم.

در اینجا این سوال مطرح است که اگر فشار جهانی برای ایجاد استانداردهای حسابداری مدون و مکتوب با حمایت دولت همراه باشد، توانایی بهبود منصفانه بودن گزارش‌های مالی را دارد یا خیر. ممکن است بخواهیم مجدداً رویکرد مبتنی بر عرف را بررسی کنیم که قبل از آنکه هیات‌های استانداردها در حدود ۵۰ سال قبل شکل بگیرند، بر حرفه حسابداری حکمفرما بود، با شکل‌گیری یک دادگاه حسابداری، که توسط لئونارد اسپیکر<sup>۳۵</sup> پیشنهاد شده، حسابداری نسبت به حالتی که در آمریکا تحت نظارت هیات استانداردهای حسابداری مالی است و در هر کشوری پیشرفت بهتری خواهد داشت که استانداردهای بین‌المللی حسابداری را به کار می‌گیرد و تحت نظارت مراجع بین‌المللی مربوطه قرار دارد.

از آنجا که تغییر دیدگاه قانونی فعلی به ایجاد مقررات مبتنی بر عرف ممکن است نیازمند بحث‌های طولانی باشد، می‌توان در کوتاه‌مدت برای محدود کردن مشکلات تحمیلی به حسابداری از جانب هیات‌هایی کارهایی انجام داد که بی‌وقفه مقررات جدیدی تدوین می‌کنند. هر مرجع صلاحیتدار حسابداری می‌تواند دو یا بیش از دو مجموعه استانداردهای حسابداری را انتخاب کند و به کارگیری هر یک از آنها را در حوزه تحت کنترل خود قابل اعلام کند. هر شرکت باید مجموعه‌ای استانداردهای مذکور را انتخاب کند، سپس حق‌الزحمه‌ای را به هیاتی پرداخت کند که استانداردهای انتخابی خود را تدوین کرده و گزارش‌های مالی خود را براساس استانداردهای انتخاب شده، تهیه و منتشر کند. این سیستم، هیات‌های تدوین استاندارد را مجبور به رقابت با یکدیگر می‌کند، زیرا شرکت‌ها، تمایل به انتخاب استانداردهایی دارند که هزینه سرمایه آنها را کاهش می‌دهد. این سیستم رقابتی، به تدوین‌کنندگان استاندارد اجازه می‌دهد که از انتخاب استانداردهای بهتر (از لحاظ کاهش هزینه سرمایه) توسط شرکت‌ها درس بگیرند و به تدریج در طی زمان پیشرفت کنند. متأسفانه، در حال حاضر در سطح جهان، تدوین استانداردها منحصر به قدرت‌های

- 15- Concepts Statements
- 16- Rulebook
- 17- International Accounting Standard Board(IASB)
- 18- Standard Approach
- 19- constituents
- 20- Common law
- 21- Landry
- 22- legislation
- 23- integrity
- 24- Greenberg
- 25- George Akerlof
- 26- market for lemons
- 27- Stigler
- 28- reputation
- 29- Mayhew
- 30- New Product mix
- 31- New Production function
- 32- New Compensation policy
- 33- Private Securities Litigation Reform Act
- 34- Forward looking

۳۵ Leonard Spacek رئیس سابقه موسسه آرتوراندرسون و یکی از متفکران اصلی حسابداری

منابع و ماخذ:

- 1- Akerlof, G(1970) "The Market for Lemons "Quality, Uncertainty and The Market Mechanism" Quarterly Journal of Economics Vol.84, No.3.
- 2- Jayalakshmy, R.Seetharaman, A. And Wei Khong "The changing role of the auditors" Managerial Auditing Journal. Vol.20, No.3, 2005.
- 3- Johnson, M(2005) "Executive compensation contract and Voluntary disclosure to security analysts" Managerial Finance Vol.31, No.7.
- 4- Sunder. S(2003) "Rethinking the structure of accounting and auditing" www.som.yale.edu/faculty/sunder.
- 5- Mayhew, B Schatzberg, J and Sevcik, G(2001) "The effect of accounting uncertainty and auditor reputation on auditor objectivity" Auditing A Journal of practice and theory Vol.2, No.2.
- 6- Greenberg, H(1998) "The auditor are always last to know" Fortune Vol.138, No.4.

شود و حداقل برای هر پست هیات مدیره ۲ نفر نامزد شده باشند. پیشنهاد دوم وجود یک فهرست جداگانه از نامزدهای اعضای هیات مدیره برای ارائه به ذی‌نفعان اقلیت است. وابسته کردن پاداش مدیران به عملکرد شرکت، به منظور همراستا کردن منافع مدیران و سهامداران انجام می‌گیرد. در صورتی که این رابطه به خوبی برقرار باشد و بخشی از پاداشی افزایش یابد که به عملکرد شرکت وابسته است، اندازه‌گیری عملکرد، تحت فشار شدید مدیریت قرار می‌گیرد. همان‌گونه که می‌دانیم هیچ یک از معیارهای عملکرد از جمله حسابداری و بازارهای سهام از دستکاری مدیریت در امان نیستند. بنابراین استفاده از قراردادهای پاداش و همسو کردن منافع به آسانی و بدون هزینه بدست نمی‌آید. هنگامی که این پاداش‌ها زیاد شوند، حسابداری و حسابرسی و سیستم‌های حاکمیت شرکتی تحت تاثیر فشارهای مدیریت قرار می‌گیرند. باید بیاموزیم طرح‌های پاداش را در جایی متوقف کنیم که سیستم‌های اندازه‌گیری را زیر پا می‌گذارند.

جان سخن اینکه هنوز شرکت‌ها تلاش می‌کنند که با مشکل حاکمیت شرکتی دست‌وپنجه نرم کنند که در طی ۲۵۸ سال فعالیت شرکت‌های سهامی وجود داشت است. شاید چندان عجیب نباشد که ما پس از گذشت سال‌ها هنوز در مورد چگونگی حل مساله نمایندگی فکر می‌کنیم.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Authoritative standards
- 2- Corporate governance
- 3- Joint stock company
- 4- Agency problem
- 5- Financial Accounting Standard Board(FASB)
- 6- European Federation of Accountants(EFA)
- 7- Shaw
- 8- paradigm
- 9- Generally Accepted Accounting Principle(GAAP)
- 10- Esperanto
- 11- Accounting Research Committee(ARC)
- 12- Accounting Research Bulletins(ARB)
- 13- Accounting Principles Board(APB)
- 14- Investment Tax Credit